

دهه دگرگونی آسیا

منبع: سایت اینترنتی IMF

نویسنده: زتی اختر عزیز، رییس بانک مرکزی مالی

مترجم: سید حسین علوی لنگرودی

اشاره

شاید چاپ این مقاله در شرایطی که جهان در التهاب ناشی از بحران بازارهای مالی فرو رفته است، کمی بی موقع و نامناسب به نظر برسد، لکن توجه به دو نکته از شدت این احساس می‌کاهد:

(۱) بنیان اقتصادهای ملی و ظرفیت‌های عمومی قاره آسیا به گونه‌ای است که می‌تواند با استفاده از تجارب "بحران از نوع نزدیک" که در سال ۱۹۹۷ به وقوع پیوست، امواج ناشی از "بحران راه دور کنونی" را هم به سلامت از سر بگذراند.

(۲) پیام اصلی این مقاله که توسط یکی از نامدارترین بانوان اقتصاددان آسیا نگاشته شده، این است که بهترین راه برای جلوگیری از وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی، همانا بیمه کردن اقتصادهای ملی در برابر شوک‌های اقتصادی و مالی جهانی از طریق گسترش پیوندها و همکاری‌های منطقه‌ای است و این همکاری‌ها همراه با تقویت فرایند حرکت سرمایه و نیروی کار بین کشورهای مختلف آسیایی، می‌تواند این مجموعه را به قدرتی واحد و تعیین کننده در معادلات اقتصادی و تجاری جهان تبدیل کند.

امیدواریم که با خواندن این مقاله، افق ذهنی‌تان روشن و آفتابی شود و اجازه ندهید که بدبینی احتمالی‌تان تا به آنجا پیش برود که در صداقت خوش بین‌ها هم شک کنید.

بانک و اقتصاد

در حال حاضر،
بانک‌های آسیایی از
نظر سرمایه،
سوددهی و قدرت
جذب دارایی‌های
بانکی، در بهترین
وضعیت بسر
می‌برند.

کشورهای آسیایی ثابت کرده‌اند که به خوبی از عهده مقابله با شوک‌های کوتاه‌مدت و ناگهانی اقتصادی و مالی برمی‌آیند؛ نمونه بارز این مساله را هم می‌توان در احیای سریع اقتصادهای آسیای جنوب شرقی و جهش اقتصادی آنها پس از بروز بحران مالی بازارهای آسیایی در سال ۱۹۹۷ سراغ گرفت.

پویایی فوق العاده

اما آسیا چگونه توانست ده سال پس از وقوع بحران گسترده و عمیق مالی، به چنین حد بالایی از رشد اقتصادی دست یابد؟ به طور کلی، سه عامل کلیدی در این میان تأثیرگذار بودند که عبارتند از: افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی، تقویت ساختارهای زیربنایی و بهبود بنیان‌های مالی و شرکتی.

افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادهای آسیایی باعث شده است تا این اقتصادها به نحو مطلوب‌تری در قبال تغییرات پیش‌بینی نشده در عرصه اقتصاد جهانی عکس‌العمل نشان دهند. تحرک بیشتر و مطلوب‌تر نیروی کار و سرمایه در میان کشورهای آسیایی نیز موجب افزایش مشارکت آنها در فرایند جهانی شدن تولید و گسترش شگفت‌انگیز کیفیت و

از بسیاری جهات، بحران مالی کشورهای آسیای جنوب شرقی در سال ۱۹۹۷، مقدمه‌ای شد برای شکل‌گیری الگوهای مترقی و نوین برای دگرگونی و اصلاح ساختارهای اقتصادی و مالی در آسیای جنوب شرقی. به واسطه همین تغییرات و پیشرفت‌هاست که امروزه شاهد نقش‌آفرینی و عرض‌انداز پر رونق‌ترین و شکوفاترین اقتصادهای جهان در آسیا هستیم، جایی که ۴۰ درصد سرمایه‌گذاری جهان، یک چهارم تجارت جهان و نزدیک به دو سوم ذخایر ارزی جهان انباشته شده است.

مشارکت بیشتر کشورهای آسیایی در فرایند رشد و توسعه منطقه‌ای، موجب کاهش فقر و بهبود استانداردهای زندگی و افزایش فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه‌ای شده است که نزدیک به نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است. هم‌اکنون آسیا توانسته است پیوندهای مستحکم و همه‌جانبه‌ای را با اقتصاد جهانی برقرار سازد، به نحوی که سهم تجارت کشورهای آسیایی از تولید ناخالص داخلی آنها، از ۳۸ درصد در سال ۱۹۹۶، به ۶۱ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است.



هم اکنون شاهد نقش آفرینی تحسین برانگیز کشورهای آسیایی در حوزه تکنولوژی های نوین هستیم که آنها را به رقبای جدی برای شرکت های غربی و چندملیتی تبدیل کرده است.

آسیا، بستر مناسبی را برای اجرای سیاست های بنیادین و کلیدی چون آزادسازی تجاری، مقررات زدایی و ایجاد فرصت های کاری بیشتر و بهتر برای مؤسسات مالی فراهم آورده است و به تحقق ایده ایجاد اتحادیه منطقه ای در آسیا کمک شایانی نموده است.

پیوندهای منطقه ای

پیامدهای گوناگون وقوع بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ در مجموع باعث افزایش و تقویت پیوندهای منطقه ای در آسیا شده و این بخش از جهان را به منطقه ای پویا و تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی تبدیل کرده است. وجود تنوع در ساختارهای اقتصادی، سطوح درآمدی و وجود منابع غنی در کشورهای آسیایی، موجب شده است تا فرایند ادغام کشورهای آسیای جنوب شرقی در یکدیگر تسریع یابد و به استفاده بهینه این کشورها از پتانسیل های عظیم خود و دیگران کمک نموده است. در نتیجه، کشورهای آسیایی توانسته اند در ابعاد گوناگون، از مزایای ترکیب در قالب اتحادیه های منطقه ای بهره مند گردند. هم اکنون، بیش از نیمی از تجارت جهانی در داخل آسیا صورت می پذیرد و بزرگ ترین و پررونق ترین بازارهای سرمایه، کالا و خدمات نیز در این منطقه از جهان به چشم می خورند. موج سرمایه گذاری های برون مرزی و برون منطقه ای در بین کشورهای آسیایی نیز به راه افتاده و مزایای رقابتی آنها را ارتقا بخشیده است.

به عقیده بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران دنیای اقتصاد، با افزایش پیوندهای مالی بین اقتصادهای آسیایی، تجارت و سرمایه گذاری مشترک در منطقه، ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت و بستر خوبی را برای استفاده از سرمایه های مازاد و عظیم موجود در کشورهای آسیایی (که در نتیجه مثبت بودن تراز تجاری و حساب جاری آنها به وجود آمده است) فراهم خواهد آورد. بدون تردید، سوق دادن این سرمایه ها به سمت بخش های مولد و کار آفرین، می تواند به بهبود هر چه بیشتر شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهای آسیایی کمک کند.

کمیت خدمات تکنولوژی محور آنها شده است. هم اکنون شاهد نقش آفرینی تحسین برانگیز کشورهای آسیایی در حوزه تکنولوژی های نوین هستیم که آنها را به رقبای جدی برای شرکت های غربی و چند ملیتی تبدیل کرده است.

اقتصاد بیشتر کشورهای آسیایی از حیث مصرف داخلی و تولیدات صادراتی در حالت متوازی قرار دارد. در سال های اخیر، شاهد افزایش مصرف خصوصی در آسیا بوده ایم. این افزایش مصرف، با بالا ماندن نرخ پس انداز و افزایش درآمدها همراه بوده که در نهایت، افزایش ۷۵ درصدی GDP سرانه این کشورها در مقایسه با سال های پیش از وقوع بحران مالی را در پی داشته است. بنابراین، چنین انتظار می رود که در بلندمدت، ساختارهای جمعیتی و اجتماعی بیشتر کشورهای آسیایی به گونه ای تغییر کند که این کشورها را به سمت جوان تر شدن سوق دهد.

حضور فعال و مستمر بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری آسیا هم موجب تقویت زیرساخت های لازم برای توسعه شده است. بهبود محیط سرمایه گذاری خصوصی در آسیا موجب بهتر شدن شرایط کلان اقتصادی در این منطقه از جهان شده و زمینه ساز پیشرفت های بیشتر و پرماتنه تر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردیده است.

از سویی دیگر، تقویت بنیان های کلان اقتصادی، از جمله وضعیت ذخایر ارزی و حساب جاری کشورهای آسیایی، زمینه مساعدی را برای اجرای سیاست های گوناگون اقتصادی و مالی فراهم آورده است. در حال حاضر، تراز حساب جاری بیشتر کشورهای آسیایی در وضعیت مازاد، میزان ذخایر ارزی آنها در بالاترین حد و بدهی های خارجی آنها نیز در پایین تر حد در طول تاریخ قرار دارد. دولت های آسیایی توانسته اند با تنظیم مطلوب بودجه های سالانه، علاوه بر دستیابی به اهداف مقرر، به ثبات پولی و مالی شایسته ای دست یابند و در مسیر مقابله با تورم و کنترل نقدینگی، موفق عمل کنند. باید پذیرفت که چنین کامیابی هایی در خور تحسین می باشند.

اجرای اصلاحات فراگیر و بازسازی ساختارهای مالی و شرکتی نیز تأثیر بسزایی در دگرگونی های مثبت و مطلوب اقتصادی در کشورهای آسیایی داشته است. در دوران پس از بروز بحران مالی جنوب شرقی آسیا، بخش های بانکی آسیا، قوی تر و قابل اعتمادتر شده اند. در حال حاضر، بانک های آسیایی از نظر سرمایه، سوددهی و قدرت جذب دارایی های بانکی در بهترین وضعیت بسر می برند. حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک و نظارت قانونی در نظام های بانکی آسیا نیز تا حد زیادی بهتر شده اند. گسترش و تقویت بازارهای پول و سرمایه، به ویژه در بخش اوراق بهادار، موجب شده است تا منابع تأمین مالی فعالیت های شرکتی و زیربنایی در آسیا، متنوع تر و مطلوب تر گردد و بر قدرت و توانمندی شرکت های آسیایی افزوده شود.

بدیهی است که قوی تر شدن بخش های مالی داخلی در



همکاری با همدیگر برای مقابله با پیامدهای منفی آن بحران خودداری ورزیدند، اشتباهی که بیش از همه به ضرر کشورهای درگیر بحران تمام شد. تبعات منفی و فاجعه بار این بحران برای بازارهای مالی و به تبع آن نظام‌های مالی داخلی کشورها و اقتصادهای ملی آنها درس عبرت خوبی بود که دولتمردان و سیاستگذاران عرصه پول و اقتصاد به خوبی آن را فرا گرفتند و برای برنامه‌ریزی‌های آینده از آن بهره بردند.

با گذشت بیش از ده سال از آن رویداد، تلاش‌های پیگیر و همه‌جانبه‌ای از سوی بیشتر سیاستگذاران اقتصادی آسیا در جریان است تا بدین وسیله، زمینه مساعدی برای تقویت اقتصادهای داخلی و منطقه‌ای فراهم شود. هم اکنون اقتصاددانان و سیاستمداران آسیایی دریافته‌اند که بهترین راه برای جلوگیری از وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی، بیمه کردن اقتصادهای ملی در برابر شوک‌های اقتصادی و مالی جهانی از طریق گسترش پیوندها و همکاری‌های منطقه‌ای است. پرواضح است که همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت فرایند حرکت سرمایه و نیروی کار بین کشورهای مختلف آسیایی، می‌تواند آنها را به قدرتی واحد و تعیین‌کننده در معادلات اقتصادی و تجاری جهان تبدیل کند.

آسیایی‌ها باید دریابند که کلید و رمز موفقیت آنها در کارزارهای اقتصادی بین‌المللی، همانا تأکید بر وجوه اشتراک و همگونی‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی و کمرنگ‌کردن تفاوت‌ها و احیاناً اختلافات خواهد بود. بنابراین، ایجاد اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و تدوین مقررات و استانداردهای جامع و مطلوب، می‌تواند بر کمیت و کیفیت همکاری‌های منطقه‌ای در آسیا بیفزاید و کشورهای آسیایی را در میدان پر تلاطم و متحول رقابت‌های بین‌المللی و بین منطقه‌ای تجهیز نماید.

یکی دیگر از عوامل مثبت و مطلوب در مورد کشورهای آسیایی، وجود ارتباطات نزدیک بین کانون‌های پول و سرمایه در این قاره است. برقراری پیوندهای فراگیر و مستحکم اقتصادی، پولی، بانکی و سرمایه‌ای بین آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه و احیای "جاده ابریشم" می‌تواند تحولات شگرفی را در این منطقه از جهان پدید آورد. جاده ابریشمی که در روزگار قدیم، ابریشم و ادویه در آن ردو بدل می‌شد، هم اکنون عرصه مبادلات نفت، کالاهای مصرفی و سرمایه شده است.

گسترش روزافزون محصولات و خدمات بانکی و مالی اسلامی در دو کانون اصلی بانکداری و مالیه اسلامی، یعنی آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه، موجب تقویت ارتباطات مالی و اعتباری بین این دو منطقه مترقی و ثروتمند قاره آسیا شده است. هم اکنون بیش از نیمی از واردات کشورهای خاورمیانه از آسیا تأمین می‌شود؛ در مقابل، بخش عمده سرمایه‌گذاری‌های کلان کشورهای خاورمیانه در خارج از کشور، نه در غرب (اروپا و آمریکا) بلکه در آسیا صورت می‌پذیرد. وجود همین ارتباط نزدیک و همه‌جانبه، موجب به وجود آمدن فرصت‌های روزافزون اقتصادی و تجاری در هر دو منطقه شده و تحول اقتصادی هر دو طرف را به دنبال داشته است. به واسطه همین پیشرفت‌ها و دگرگونی‌هاست که هم اکنون بیشتر کارشناسان اقتصاد و تجارت جهانی بر این موضوع اتفاق نظر دارند که آسیا، موتور اصلی رشد اقتصاد جهانی و عامل توازن بخش تجارت بین‌المللی به حساب می‌آید.

تقویت همکاری‌های منطقه‌ای

در طول مدت وقوع بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷، اقتصادهای آسیایی مرتکب اشتباهی بزرگ شدند و از

هم اکنون بیش از
نیمی از تجارت
جهانی، در داخل
آسیا صورت
می‌پذیرد و بزرگ
ترین و پررونق‌ترین
بازارهای سرمایه،
کالا و خدمات نیز در
همین منطقه از جهان
به چشم می‌خورند.